



سه گفتار در یک قاب:

آینده‌پزوهی، اقتصاد مقاومتی، کشاورزی (امنیت غذایی)

مؤلفان:

امین طه‌ساسبی

حامد کریمی

۱۳۹۷

موسسه آموزشی تألیفی ارشدان

سرشناسه	طهماسبی، امین، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور	سه گفتار در یک قاب: آینده پژوهی، اقتصاد مقاومتی، کشاورزی (امنیت غذایی)/مولفین امین طهماسبی، حامد کریمی
مشخصات نشر	تهران: موسسه آموزشی تالیفی ارشدان، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۲۲۲ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۹۹۹-۹۸-۰
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	کشاورزی -- ایران -- جنبه های اقتصادی -- آینده نگری
موضوع	Agriculture -- Iran -- Economic aspects -- Forecasting
موضوع	کشاورزی و دولت -- ایران -- جنبه های اقتصادی
موضوع	Agriculture and state -- Iran -- Economic aspects
موضوع	امنیت غذایی -- ایران -- آینده نگری
موضوع	Food security -- Iran -- Forecasting
موضوع	اقتصاد -- ایران -- آینده نگری
موضوع	Economic forecasting -- Ira
شناسه افزوده	کریمی، حامد، ۱۳۶۲ -
رده بندی کنگره	۹۰۰/۲/۴ HDY۰۶۵
رده بندی دیویی	۳۳ ۱۰۹۰۵
شماره کتابشناسی ملی	۵۱۲۵۷۷۸

ارشدان

مؤسسه آموزشی تالیفی ارشدان

سه گفتار در یک قاب:	■ نام کتاب:
آینده پژوهی، اقتصاد مقاومتی، کشاورزی (امنیت غذایی)	■ تألیف:
امین طهماسبی - حامد کریمی	■ ناشر:
آموزشی تالیفی ارشدان	■ ویرایش:
اول	■ نوبت چاپ:
اول ۱۳۹۷	■ حروفچینی و صفحه آرایی:
www.irantypist.com	■ طراح و گرافیکست:
www.irantypist.com	■ شابک:
۹۷۸-۶۰۰-۸۹۹۹-۹۸-۰	■ شمارگان:
۱۰۰۰	■ مرکز خرید آنلاین:
www.arshadan.com	■ مرکز یخش و توزیع:
www.arshadan.net	■ قیمت:
۰۲۱۴۷۶۲۵۵	
۳۵۰۰۰ تومان	

پیشگفتار دکتر حمیدی زاده

بسمه تعالی

علم، چراغ عقل است و تنها با عقل است که می توان بر زمانه (شرایط، حالات، فرصت ها، تنگناها، محدودیت ها و موانع این) فائق آمد.
«امام علی علیه السلام»

برای تبیین نقش فرهنگ در خردورزی باید به عرصه ارزش ها، سنجارها، باورها، اعتقادات، نگرش ها و گرایشات ناشی از قدرت علمی، اندرزگیری از تجربه ها، تحلیل مسائل، وقایع و نیز فرایند تصمیم گیری پرداخت. جامعه، سرچشمه جوشان تولید تجربه، دانش، خرد و ارتقای سطح بصیرت است و نیاز به درستی، پاکی، راستگویی، درست اندیشی، قدرت بالای تمیز دهندگی دارد.

در بطن فرهنگ، الگوهای خردورزی، دانایی و تجربه مشترک برای ایجاد و ارتقای سطح خرد قرار دارد. در توسعه خردورزی، فرهنگ نقش نرم افزار نرم و سخت دارد و به هدایت هوش، طرز فکر و تلقی می‌پردازد لذا به نگرش، الگوهای تصمیم‌گیری و رفتار افراد، جهت می‌بخشد و برای آنها مسیر تعیین می‌کند. فرهنگ زمینه‌های توجه، چگونگی ارائه واکنش و ارزش‌گذاری به مسائل را روشن می‌نماید.

ارزش‌های پویا، بدون انسان نقش‌آفرین، مفهوم و وجود خارجی ندارد. برنامه توسعه ارزش‌ها باید برپایه ابعاد زیر باشد:

- تولید علم، آموزش؛ یادگیری؛ تغییر رفتار؛ ارزیابی؛ ویژگی‌ها و شاخص‌های بالندگی ارزش‌ها؛ استراتژی‌های طرح‌های توسعه ملی، صنعتی و بخشی.

در این برنامه‌ها، نهادهای آغازین معرفت‌شناسی، شناخت شهودی خود (= نفس) قرار دارد؛ زیرا روح آدمی ستاره جهان آفرینش است.

معارف فرهنگی جنبه خردیدگی و عقلانی دارند و به اقامه دلایل عقلی می‌پردازند زیرا خرد، ۱) به منشأ شرافت و شصت استانی؛ ۲) زیور و زینت آدمی، ۳) ریشه و سرچشمه همه خوبی‌ها، ۴) عامل سعادت انسان، ۵) ابزار و سلاح همه کارها، ۶) درمان و علاج ناکامی‌ها، ۷) حیات و زندگی روح، ۸) اصل و ریشه دانش، انگیزه فهم و درک سرچشمه ادب و دین‌داری و ۹) عشق، تعهد و ایمان است. با غرده‌ریزی تدابیر و منافع رسمیت داشته، نیاز به تعادل در ملاحظات دنیوی و اخروی دیده می‌شود. زمینه وحدت و تعالی انسان ایجاد می‌شود. در سایه خرد است که امور و جوانب آن از هم جدا شناخته می‌شوند و راه انسان هموار می‌شود. اهمیت خرد به دلیل آن است که انسان را در تصمیم‌های خود از فرایندهای شناختی فعال به جای الگوهای عادی تفکر برای اتخاذ تصمیم‌های مهم استفاده می‌کنند.

عقل، همان استعداد و توانایی فهم حقایق از طریق استدلال است. عقل انسان چیزی است که صور موجودات و نظم میان آنها را ادراک می‌کند.

کلمه‌ی "عقل" در لغت به معنای بستن و گره زدن است و به همین مناسبت ادراکاتی هم که انسان دارد و آنها را در دل پذیرفته و پیمان قلبی نسبت به آنها بسته، عقل نامیده‌اند.

انسان به وسیله عقل، حق را فهمیده و عمل می‌کند. کسی که درست درک نمی‌کند عاقل نیست، و کسی که درک می‌کند و عالم است ولی به علمش عمل نمی‌کند هم عاقل نیست.

عقل زانو بند نادانی است و نفس مانند شرورترین حیوانات است که اگر پایشان بسته نشود، گم و سرگشته می‌شوند. پس، عقل زانوبند نادانی است. از عقل، بردباری منشعب شد و از بردباری، دانایی و از دانایی، رهیابی و از رهیابی، پاکدامنی و از پاکدامنی، خویشتنداری و از خویشتنداری، حیا و از حیا، وقار و از وقار، مداومت در کار خوب و از مداومت کار خوب، نفرت داشتن از بدی و از ناخوش داشتن بدی، پیروی از راهنمای خیرخواه. هر دری خرد طبیعی (ذاتی) و خرد تجربی سود آورند. عقل و خرد قریحه‌ای است که با دانش و تجارب زیاد می‌شود.

فرهنگ، مشتمل بر روش‌های انجام امور؛ اما اخلاق، معیارساز روش‌ها است؛ در حالی که جوهره فرهنگ خرد، معرفت، دانش؛ هسته دانش، یادگیری و حیات یادگیری، عمل کردن از آموخته‌ها به روان، ورود و خروج تمامی اینها، دل است. خرد و تعقل، سازوکاری معیارساز هستند. خرد، راهنمایی است که دانایی، پیش‌بینی حالات، کنترل رفتار و اعمال آن را تبیین می‌کند. برای نیل به نقشه ساختمان خردورزی، ابتدا باید با خرد و سپس با سازوکارهای آن آشنا شد. تعالی شناسی و استخراج سرآمدی پایدار از درون تعقل و خردورزی، سطح بالایی از توانمندی برنامه‌ریزی مناسب و مستدل می‌خواهد، هر میزان مهارت و توانمندی‌های خردورزی صحیح بالا رود، میزان نیل به سرآمدی هموارتر می‌شود.

شناخت بر پایه میزان دانستنی‌ها، سطح اندیشه‌ورزی، تعدیل یادگیری و تعقل شکل گرفته و راهنمایی ایجاد می‌کند و حاصل فرایندهای داخل مغز، مغز، قدرت و کیفیت اندیشیدن، هوش و درایت‌های حاصل از ادراکات قلبی است که برحسب سطح باورهای اشخاص به تبیین اقدامات می‌پردازد لذا در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارها نمود پیدا می‌کند و عملکردهای آتی را شکل می‌دهد. این عملیات، با تولید انرژی، جهت‌یابی‌ها را ترسیم می‌کند.

خرد، (۱) نور روشنگر دل است تا به وسیله آن تفاوت میان دیدنی‌ها و نادیدنی‌ها را به شناسد. (۲) خرد (=عقل) جوهری است که انسان را آماده فهم می‌کند تا حقایق را دریابد.

۳) خرد، جوهری مجرد است که غائبات را به وسیله وسائط، و محسوسات را به وسیله مشاهده، تحلیل و با اخذ نتیجه بر پایه قضاوت، درک می‌کند. ۴) خرد، نیروی فهم درونی و قوه تشخیص است که با اثبات یا نفی قضایایی ادراک می‌کند که از مفاهیم کلی تشکیل یافته است لیکن غریزه‌ای است که با علم و تجربه افزایش می‌یابد. ۵) خرد، آمیخته‌ای از دانایی، توانایی، روشنائی و مشیت به امر است که باید کشف شود لذا ایجاد کننده دانایی، تقویت کننده توانایی، کانون روشنائی، و هموارساز مشیت به امر الهی است. ۶) خرد، از دو نوع طبیعی (ذاتی) و تجربی تشکیل شده که برپایه دانش فزونی می‌یابد و دانش را به نوبه خود فزونی می‌بخشد و از آن دانایی تولید می‌کند. دانایی پایدارکننده خرد است. ۷) خرد، حجت درونی برای انسان‌ها است لذا خرد آن است که انسان دانسته سخن بگوید و به آنچه می‌گوید عمل کند. ۸) خرد نگهدارنده تجربه‌ها است. بهترین تجربه‌ها، تجربه‌ای است که انسان را اندرز می‌دهد.

خردمند، زمانه خود را می‌شناسد، سرگرم انجام دادن کارهای خویش است و زبانش را نگه می‌دارد، چیزی نمی‌خواند و و دهان را که از عهده انجامش بر نمی‌آید، نمی‌دهد و به آنچه که در امیدواریش سرزنش سرد می‌بیند و به کاری که می‌ترسد در آن درماند، اقدام نمی‌ورزد.

خرد انسان با میزان بدیهه‌گویی هوشمندانه وی آزموده می‌شود. باز و شکوفا شدن و باروری خرد با بسیار اندیشیدن در حکمت، بسیار خردیدن، راندیشیدن در دانش به دست می‌آید. از آنجا که سخنان، یادداشت‌ها و نوشته‌های شخص، راناترین سخنگوی شخص است، پس محتوای سخنان و نوشته‌های هر انسان، جلوه میزان خرد اوست.

بد سخن گفتن، نشانه کم خردی است. در حالی که خیر و خوبی با خرد به دست می‌آید. درجات انسان، به اندازه عقل اوست و ارزش وی، به اندازه شناخت اوست؛ با ایجاد کبر، خودخواهی و خودمحوری در شخص، از خردش کاسته می‌شود و هوای نفس جایگزین آن می‌شود، البته هوای نفس دشمن خرد است؛ اگرچه هوای نفس خود نمایان است و انسان را سرگرم خود می‌کند اما شخص، خرد را باید جستجو کند و آن را بیابد. همنشینان و نمایندگان انسان، جلوه‌ای از خرد وی هستند و میزان خرد و سطح خردورزی وی را نشان می‌دهند. میوه خرد، پایبندی به حق، راستی و درستی است. البته این کتاب که نویسنده‌گان آن تلاش نموده‌اند با گردآوری مطالبی پیرامون سه مقوله مهم آینده‌پژوهی، اقتصاد مقاومتی

و کشاورزی در یک کتاب، هشدار لازم را در خصوص اهمیت در نظر داشتن همزمان سه مقوله مذکور در سیاستگذاری‌های کلان کشور در حوزه کشاورزی به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر بدهند، جلوه‌ای از دانش و خرد ایشان بوده و امید است مورد توجه و اقبال جامعه هدف قرار گیرد.

دکتر محمد رضا حمیدی‌زاده

استاد دانشگاه شهید بهشتی تهران

اسفند ۱۳۹۶

www.ketab.ir

پیشگفتار مولفین

بی تردید هزاره جدید، آئندای را با خود به همراه می آورد که از بسیاری جهات با گذشته و حال تفاوت چشمگیری دارد. به همین دلیل نه تنها باورهای کهن که اولویت های ارزشی نیز باید دوباره، ارزیابی شوند (۱، ۲)، ما انسان ها باید از اشتباهات و عملکردهای گذشته درس بگیریم و با انجام دادن اقدام های تربخش، در آینده، جهانی سرشار از شفقت، صلاح، عدالت و شادکامی برای همگان بیافرینیم. ما اساساً باید خواستار چنین کاری باشیم. اساساً شایسته ترین کار این است که برای پابرجا ماندن این جهان تلاش کنیم و جهانی بیافرینیم که در آن مردم در حال و آینده، فرصت برخورداری از زندگی طولانی و رضایت بخش را داشته باشند.

امنیت غذایی به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه های تأمین آینده شایسته برای انسانها، تابعی از متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، طبیعی، سیاسی و فرهنگی است و عراملی همچون سیاست تولیدات کشاورزی، نظام توزیع مواد غذایی، منابع طبیعی کشور، الگوی مصرف و تغذیه، وضعیت اشتغال و توزیع درآمدها، سیاست تجارت خارجی و فرهنگ تغذیه بر آن اثر می گذارند. چالش فرا روی امنیت غذایی کشور به وضعیت سلامت غذایی خانوارها برمی گردد و با توجه به روندهای موجود کمبودها و مخاطراتی برای حال و آینده در این حوزه وجود دارد که تلاش در جهت رفع آنها ضروری است.

روند رو به رشد جمعیت نیز از چالش‌هایی است که می‌تواند بر نیازهای غذایی کشور به طور روزافزونی بیفزاید. اگرچه در سال‌های اخیر رشد جمعیت کاهش یافته است اما با توجه به ساختار سنی جوان جمعیت، پیش‌بینی می‌شود بزودی جمعیت کشور مرز ۱۰۰ میلیون نفر را در نوردد که این موضوع اهمیت تولید مواد غذایی لازم و سالم را برای آنها دو چندان می‌کند. از اینرو اگر متناسب با رشد جمعیت و تغییر ذائقه و نیازها اقدام‌های اساسی صورت نگیرد و امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری توسعه نیابد، سهمیه تولید سرانه برای هر نفر کمتر و کمتر خواهد شد.

در سال ۱۳۱۱ هر هکتار از اراضی کشاورزی برای ۱/۷ نفر غذا تولید می‌کرد در حالی که در حال حاضر این مقدار به ۹ نفر افزایش یافته است که نسبت به کشورهای پیشرفته که غذای ۲۷ نفر را تأمین می‌کند، بسیار پائین است؛ در صورتی که در سال ۲۰۵۰ بر اساس پیش‌بینی فائو برای تأمین نیازهای غذایی دنیا این تناسب باید به ۴۳ نفر برای یک هکتار برسد. بنابراین تزریق علوم و تحقیقات بیشتر به بخش کشاورزی با توجه به محدودیتهای توسعه زمین ضروری و اجتناب ناپذیر است.

بخش کشاورزی اگرچه یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی کشور است، اما در عین حال با تنگناها و چالش‌های عمده‌ای روبرو می‌باشد. چالش‌هایی از جمله بحران آب، فرسایش شدید منابع خاکی و کمبود زمین، تخریب پوشش گیاهی، فقدان یک الگوی توسعه فراگیر، مصرف نامتوازن و غیراصولی سموم، مدیریت سلیبی و غیرعلمی، بیکاری، کمبود سرمایه، ضعف در بازاریابی و بازاریارسانی و ضایعات بالای تولیدات و ... هر یک به یک بیماری مزمن و مهلک در بخش کشاورزی گردیده‌اند که در صورت عدم درمان به زود با لطمات جبران‌ناپذیر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی را در پی خواهد داشت.

بنابراین، کشورمان در بخش کشاورزی هرچند با قابلیت‌ها و استعدادها و بهفته و بالقوه قابل انکایی روبرو است اما به دلیل بهره‌وری و بازدهی بسیار پائین نسبت به کشورهای پیشرفته، واجد بروز بحرانهای جدی در آینده در صورت عدم توجه به وضعیت حال می‌باشد و اگر در آینده‌ای نه چندان دور در زمینه بالا بردن عملکرد و بازدهی موفقیتی حاصل نشود با توجه به افزایش سریع تقاضای مواد غذایی، آینده‌ای مبهم و مشکل‌آفرین خواهیم داشت.

توسعه پایدار الگویی است که نیازهای نسل حاضر را برآورده می‌کند؛ بدون اینکه توانایی نسل‌های آینده را برای رفع نیاز خود به مخاطره اندازد. توسعه پایدار کشاورزی نیز نظامی

است که در آن از شیوه‌های غیرکارای سنتی و غیراقتصادی جلوگیری می‌کند و بر استفاده از دانش و شیوه‌های مدرن کشاورزی تکیه دارد که با استفاده از این شیوه و مد نظر قرار دادن مسائل زیست محیطی به اقتصادی بودن و بازده بیشتر تولید نیز توجه کافی دارد (قنبری و برقی، ۱۳۸۷).

با توجه به اینکه زمان پیوسته، یکسویه، بازگشت‌ناپذیر و خطی در حال گذر است، آینده شتابان از راه می‌رسد و بنابراین انسانها ناچاراً باید وارد آینده شوند. وندل بل معتقد است برای ورود به آینده سه راه وجود دارد:

۱- بارچه حوادث شدن

۲- فجعه

۳- راحی؛

بنابراین ما برای ورود به دنیای آینده فقط از این سه راه امکان عبور داریم. لذا یا باید خودمان را به خواب زده بارچه حوادث قرار دهیم تا حوادثی که کوچک‌ترین تأثیر و اختیاری در ایجاد و مدیریت آن نداریم ما را به هر ناکجاآبادی که می‌خواهند ببرند، یا باید بدتر از آن منتظر یک فاجعه سمچون زمین‌لرزه و ... باشیم تا ما را سوار بر مرکب پر خطرش به همراه خود ببرد و یا اینکه کنش‌ها را با تأاهی، هوشمندانه به آینده و کاوش هدفمند آن با انتخاب آینده‌های مرجح و مطلوب خودمان از میان همه آینده‌های بدیل با ترسیم یک چشم‌انداز ارزشمند در جهت مدیریت و تسلط بر آن قدم برداریم. آنان که می‌خواهند خود را برای آینده مهیا سازند، آن‌هایی که می‌خواهند از همان احتمالی بدلی را برای آینده پیش رو دریابند و به جای پذیرش جبری و منفعلانه آینده خود، آن را فعالانه مهار کنند، باید درباره آینده پژوهی و اصول آن بیشتر بدانند.

نتایج آتی کما بیش تحت تأثیر اقدام‌های فردی و گروهی ما قرار دارند به عقیده ژوونل «از نگاه فرد آگاه و صاحب قدرت، آینده به دو بخش حکمران و حکم‌پذیر تقسیم می‌شود» آینده حکم‌پذیر، بخشی از آینده است که انسان‌ها می‌توانند با اقدام‌های خود، آن را بسازند. بخشی از آینده را می‌توان کنترل کرد اما بخش دیگر آن در قلمرو اراده و اختیار ما قرار ندارد؛ هر چند شاید همان بخشی که از کنترل ما خارج است، برای دیگران قابل کنترل باشد.

دیکسون معتقدات است ما با تصمیم‌ها و اقدام‌های کنونی خود، در خلق آینده تاثیرگذار هستیم؛ همیشه، یکی از گزینه‌های پیش‌رو، طرح این پرسش است که کدام بخش از زمان حال، ارزش و شایستگی ادامه یافتن را دارد، به ویژه در دنیایی که ظاهراً اعمال برخی تغییرات از قلمرو اختیار ما خارج است.

هر پدیده‌ای، احتمالاً آینده‌ای دارد و به همین دلیل ما باید سعی کنیم آینده پدیده‌های بیشتری را کندوکاو کنیم. به خصوص پدیده‌ها و موضوعاتی که تأثیر جدی و غیرقابل چشم‌پوشی در آینده حیات یک ملت دارند. از جمله این پدیده‌ها و موضوعات بحث تأمین امنیت غذایی یک جامعه می‌باشد.

در کتاب حاضر بر اساس مطالعه مستندات، مقالات و کتب تخصصی حوزه‌های آینده‌پژوهی، کشاورزی و اقتصاد مقایسه‌ای، تلاش شده با توجه به وضعیت بخش کشاورزی، ضمن بررسی محیط این بخش، آینده‌نگری و در نظر داشتن ارزش‌های راهبردی به تبیین رابطه بین ظرفیت‌های بخش کشاورزی، ضرورت‌ها و نیازهای آینده کشور که منجر به تحقق اقتصاد مقاومتی در این بخش می‌گردد، در سه فصل تبیین گردد.

بخش کشاورزی چه پتانسیلی در مواجهه با تهدیدهای ملی دارد؟ این بخش چه ظرفیت‌ها و امکاناتی را برای ایجاد امنیت اقتصادی و در نتیجه اقتصاد مقاومتی کشور فراهم می‌کند؟ با چه رویکرد محیطی و مدیریتی این بخش می‌تواند جایگاه خود را ارتقاء و تثبیت کند؟

بین بخش کشاورزی و اقتصاد مقاومتی یک ارتباط نزدیک مستقیم وجود دارد و بخش مذکور از ظرفیت و توانمندی بالای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی امنیتی و زیست محیطی در تقویت و پشتیبانی اهداف اقتصاد مقاومتی داشته و بستری را برای الگوی اقتصادی مقاومتی است و با رویکرد مدیریت عقلانی راهبردی هم می‌توان ظرفیت‌های بخش کشاورزی را تکمیل نموده و هم در راستای اقتصاد مقاومتی آن را مدیریت و پشتیبانی نمود.

در دنیای امروز علی‌رغم تمام تحولات فناورانه، پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی توسعه بخش کشاورزی را بعنوان تأمین کننده امنیت تولید غذا در پیوند با امنیت ملی خود ارزیابی می‌کنند.

از اینرو اتکاء بر توانایی‌های انسانی و طبیعی و امکانات داخلی و فرصت‌های وسیع برآمده از ظرفیتهای موجود در کشور و بهره‌گیری از مدیریت عقلانی و تکیه بر اولویت‌های اساسی سیاست‌های کلی: «اصل ۴۴»، «اقتصاد مقاومتی»، «علم و فناوری»، «نظام اداری» و «جمعیت» و از همه بالاتر توکل به قدرت لایزال الهی می‌تواند ما را به‌رغم تمایل و اراده‌ی دشمنان، با تحقق اهداف برنامه‌های تدوین شده در ارائه‌ی الگویی برآمده از تفکر اسلامی در زمینه‌ی پیشرفت که به‌کلی مستقل از نظام سرمایه‌داری جهانی است، یاری رساند.

www.ketab.ir